

در بهار و تابستان سال ۱۳۶۴ برای مأموریتی جهت تحقیق در «سازمان اجتماعی ایل بختیاری» مدت ۴ ماه در ایل بختیاری اقامت داشتم. در تابستان سال ۱۳۶۶ مدت ۳ ماه، و در پائیز همان سال مدت ۲ ماه به میان مردم ایل بختیاری رفته و با بختیارهای کوچ نشین زندگی کرده‌ام.

در مدت اقامت در ایل، یادداشت‌هایی دربارهٔ ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی کوچ نشینان بختیاری تهیه کرده‌ام. مقاله‌ای که از نظر می‌گذرد، قسمتی از این یادداشت‌هاست که حاصل مشاهدات عینی و مصاحبه‌هایی است که از طایفه‌های مختلف ایل به عمل آورده‌ام. در این بررسی به علت مأموریتی که داشته‌ام، نتوانستم مدت زیادی در منطقه‌ای معین و با طایفه‌ای خاص اقامت کنم. بنابراین جمع‌بندی کار در رابطه با طایفه‌ای خاص نیست و شمولیت آن مربوط به کل ایل است.

علاوه بر کارهای میدانی، با استناد به اطلاعات به دست آمده از سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده در تیر ماه ۱۳۶۶ نیز تحلیل‌هایی را ارائه داده‌ام که امیدوارم مورد پسند قرار گیرد.

معرفی جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه در این بررسی، ایل بختیاری است. این ایل یکی از بزرگترین ایلهای کشور است. ایل بختیاری در محدوده‌ای در بین استانهای خوزستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان و لرستان بیلاق و قشلاق می‌کند.

محدوده بیلاقی این ایل در شهرستانهای لردگان، فارس، بروجن و شهرکرد از استان چهارمحال و بختیاری، فریدونشهر و فریدن از استان اصفهان و الیگودرز از استان لرستان قرار دارد. محدوده قشلاقی آن نیز عمدتاً در خوزستان در شهرستانهای مسجد سلیمان، ایذه، شوشتر و دزفول قرار دارد.

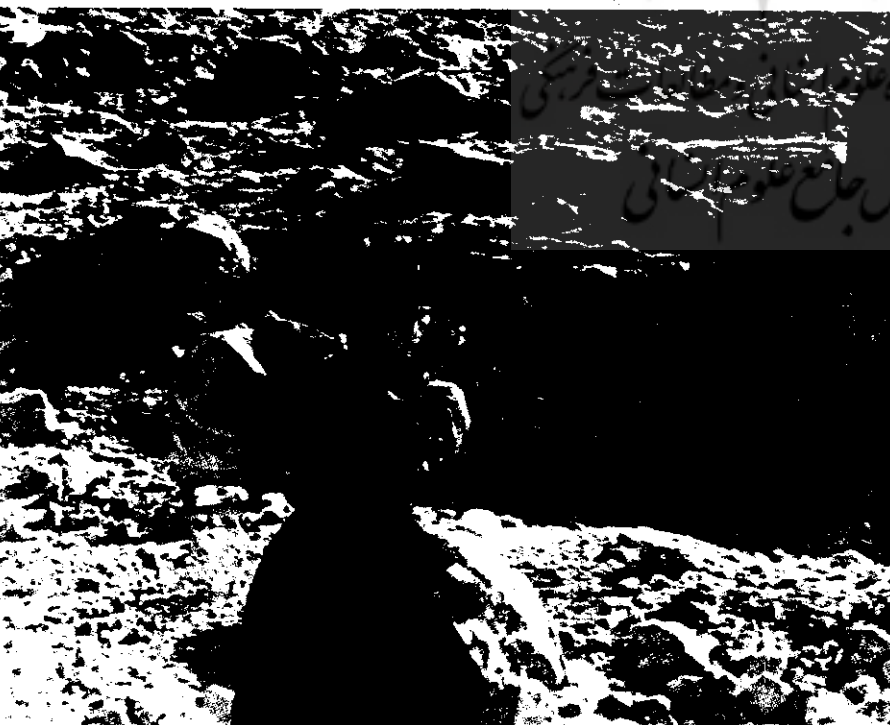
ایل بختیاری به دو شاخه بزرگ «هفت لنگ» و «چهار لنگ» تقسیم می‌شود. هر یک از شاخه‌ها به بزرگ طایفه‌ها (باب) و هر یک از بزرگ طایفه‌ها به چند طایفه تقسیم شده است. طایفه‌ها نیز به نوبه خود به شعباتی به نام «تش=تیره» و «اولاد» تقسیم شده‌اند. چند خانوار کوچنده در رابطه با تعداد دام خود، در اجتماعی به نام «مال» گرد هم می‌آیند که هر اولاد بنا به بزرگی و کوچکی خود، دارای چند مال است که اعضای آن اساساً از یک اولاد هستند.

ساختار جمعیتی

بر اساس اطلاعات به دست آمده از نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور، در تیر ماه ۱۳۶۶ ایل بختیاری با داشتن ۲۷۹۶۰ خانوار عشایری، ۱۵/۵ درصد از خانوارهای کوچنده کشور را به خود اختصاص داده است. جمعیت ایل بختیاری ۱۸۱۷۷۷ نفر است که ۱۵/۸ درصد از جمعیت عشایری کشور را شامل می‌شود. از مجموع ۱۸۱۷۷۷ نفر جمعیت ایل بختیاری، ۹۵۶۷۶ نفر مرد و ۸۶۱۰۱ نفر زن

زن بختیاری و نقش او در زندگی کوچ نشینی

بهرام امیراحمدی



هستند. نسبت جنسی در ایسل بختیاری ۱۱۱ بوده، به بیانی دیگر در ایسل بختیاری در مقابل هر ۱۰۰ نفر زن، ۱۱۱ نفر مرد وجود دارد. این نسبت در بین اطفال کمتر از یک ساله ۱۰۷ و در بین بزرگسالان (۶۵ ساله و بیشتر) معادل ۱۳۳ بوده است. کمترین نسبت جنسی در گروه سنی ۱-۵ ساله (نویاگان) و برابر ۱۰۱ است. بیشترین نسبت جنسی نیز مربوط به گروه نوجوانان ۱۱-۱۴ ساله و برابر ۱۳۴ است. از علل زیاد بودن نسبت جنسی در ایسل بختیاری را می توان در فعالیت مستقیم و پرنمر زنان در فعالیت دآمداری و حضور فعال آنان در زندگی روزمره شبانی جستجو کرد. نسبت جنسی ایسل بختیاری حتی بیشتر از این نسبت در کل جامعه عشایری کشور (۱۰۸) است. در حالی که ۷۴/۴ درصد از مردان ایسل به زبان فارسی آشنایی دارند، فقط ۶۶/۲ درصد از زنان به این زبان آشنایی دارند. نسبت باسوادی در بین مردان ایسل بختیاری ۳۵/۸ درصد و در کل جامعه عشایری ۳۸/۸ درصد است. وضعیت زنان بختیاری از نظر سواد در حد بسیار پایینی قرار دارد. در این جامعه فقط ۹/۱ درصد از زنان ۶ ساله و بالاتر باسواد بوده اند. بیشتر باسوادان در گروههای

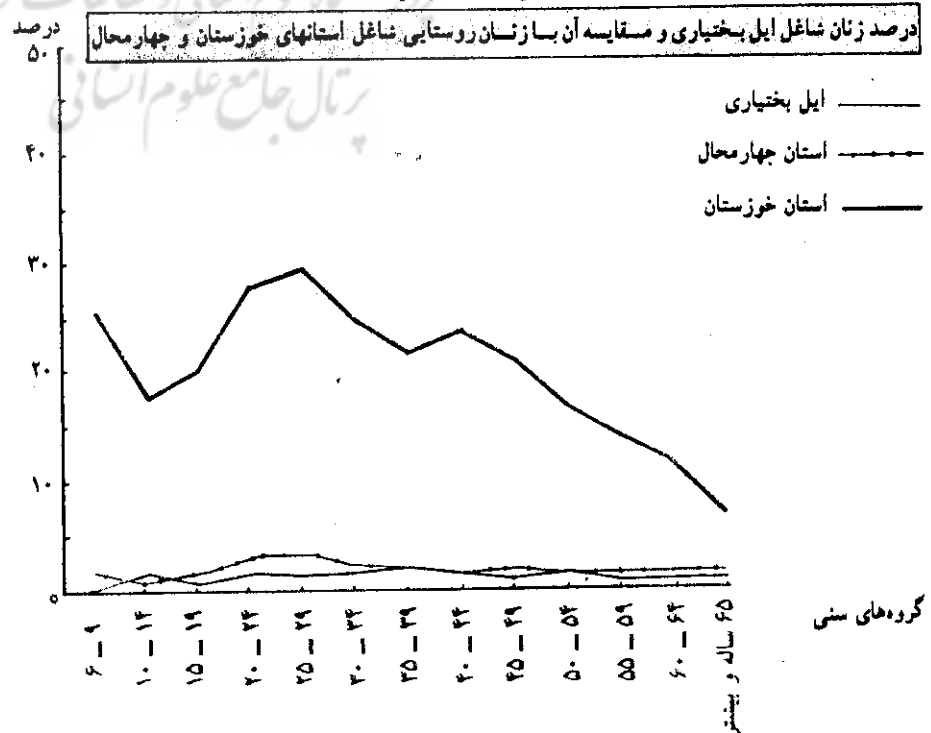
سنی پایین (عمدتاً لازم التعلیم) قرار دارند که آنهم در اثر گسترش آموزش ابتدایی در سالهای بعد از انقلاب اسلامی است. در کل جامعه عشایری نسبت باسوادی زنان عشایری ۱۴/۰ درصد بوده است.

در حالی که ۶۲/۹ درصد از زنان ۱۰ ساله و بیشتر ایسل بختیاری دارای همسر بوده اند، فقط ۵۷/۷ درصد از زنان ۱۰ ساله و بیشتر جامعه روستایی کشور دارای همسر بوده اند. علت بالا بودن نرخ ازدواج زنان ۱۰ ساله و بیشتر را می توان در پیشروی ازدواج زنان جستجو کرد. زیرا به دلیل نبودن فرصتهای سوادآموزی و اشتغال در بخش غیر کشاورزی، زنان در سنین پایین به خانه شوهر می روند.

وضع اشتغال زنان بختیاری

بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵، در نقاط روستایی کشور ۵/۴ درصد از زنان ۶ ساله و بیشتر شاغل بوده اند و این در حالی است که زنان ۶ ساله و بیشتر ایسل بختیاری ۲۰/۵ درصد شاغل بوده اند. به بیانی دیگر زنان بختیاری ۱۵/۱ درصد بیشتر از زنان روستایی شاغل هستند. حال اگر زنان ۶ ساله و بیشتر روستایی استان

نمودار شماره یک



خوزستان را به عنوان جامعه روستایی منطقه قشلاقی ایسل و زنان ۶ ساله و بیشتر روستایی استان چهارمحال و بختیاری را به عنوان جامعه روستایی منطقه بیلاقی ایسل مورد مطالعه قرار دهیم، بیشتر به وضع اشتغال زنان عشایر بختیاری پی خواهیم برد.

بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ از زنان ۶ ساله و بیشتر جامعه روستایی استان خوزستان فقط ۱/۱ درصد و از زنان ۶ ساله و بیشتر جامعه روستایی استان چهارمحال و بختیاری فقط ۱/۸ درصد شاغل بوده اند، در حالی که در ایسل بختیاری این نسبت همانگونه که قبلاً گفتیم ۲۰/۵ درصد است. (نمودار شماره یک)

از زنان شاغل ایسل بختیاری ۸۶/۰ درصد «کارکن فامیلی بدون مزد» بوده اند. یعنی اینکه اکثریت شاغلان زن برای خانواده خود کار می کنند و در قبال کاری که انجام می دهند مزدی دریافت نمی دارند. جالب توجه اینجاست که در جامعه روستایی منطقه بیلاقی و قشلاقی، نسبت کارکنان فامیلی بدون مزد در میان زنان شاغل ۶ ساله و بیشتر بسیار پایین تر از این نسبت در بین زنان ایسل است. بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ از زنان شاغل ۶ ساله و بیشتر جامعه روستایی استان چهارمحال و بختیاری ۱۶/۱ درصد و از زنان شاغل ۶ ساله و بیشتر جامعه روستایی استان خوزستان ۲۳/۵ درصد کارکن فامیلی بدون مزد بوده اند. به بیانی دیگر حتی زنان روستایی دو منطقه نامبرده از نظر استقلال اقتصادی وضع بهتری نسبت به زنان ایسل بختیاری دارند. (نمودار شماره دو)

می توان گفت که شاغلان زن در ایسل بختیاری دارای استقلال اقتصادی نیستند و درآمدهای آنان نصیب خانواده می شود. اگر چه درآمد در کل خانوار و بین اعضای آن صرف می شود، لیکن نقش اجتماعی زنان شاغل در تصمیم گیری صرف هزینه ها در جامعه روستایی و شهری بیشتر از جامعه عشایری است.

با وجود نقش مهمی که زنان ایل در اقتصاد خانواده دارند، طبیعی به نظر می‌رسد که عمر آنان کوتاهتر از عمر مردان باشد، نسبت‌های جنسی که قبلاً درباره آن بحث شد خود گویای این مدعاست.

نقش زن در ایل بختیاری

با نگاهی بر آنچه گذشت، زن نقش مهم و اساسی را در اقتصاد جامعه ایلی داراست. این ویژگی‌های بارز زن، به مرد بختیاری این امکان را می‌دهد که با داشتن زنی فعال، از وضعیت اجتماعی و رفاهی بیشتری نسبت به همسر خود برخوردار باشد. هر چند که مردان عشایر عرب خوزستان اوقات فراغت بیشتری نسبت به مردان بختیاری دارند.

مرد بختیاری از فرصتهایی که از نقش مهم زن در اقتصاد شبانی به دست می‌آورد، در موارد مختلف فرهنگی و اجتماعی استفاده می‌کند. چون در این بررسی می‌خواهیم وضعیت زنان را مورد مطالعه قرار دهیم، بنابراین در مورد مردان ایل وارد بحث نمی‌شویم.

اگر چه زن بختیاری وظایف بشمارای را

نمودار شماره ۲

در نظام کوچ‌نشینی انجام می‌دهد، لیکن از نظر اجتماعی، از حقوق یکسانی نسبت به زنان روستایی و شهری برخوردار نیست. یادآوری این نکته ضروری است که مرد بختیاری احترام خاصی برای همسر خود قایل است، اما این احترام دلیل عدم تضعیف حقوق فردی و اجتماعی زن نیست. پابندی زن به سلسله مراتب ایلی و سنت‌های وابسته بدان در یک جامعه پدر تباری، به او این اجازه را نمی‌دهد که در مسایل اجتماعی ابراز وجود کند.

معمولاً شهادت و گواهی زنان در جامعه ایلی نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد. هنگام حل اختلافات و نظرخواهی‌ها، زنان نمی‌توانند در بحث شرکت داشته باشند. با وجودی که زنان در جلسات خانوادگی و فامیلی در همان چادری که مردان اقامت دارند حضور داشته و از آنان پذیرایی می‌کنند، لیکن اظهار عقیده آنان ملاک عمل قرار نمی‌گیرد.

زن بختیاری از بسیاری از حقوق اجتماعی خویش محروم است. سن ازدواج در بین آنان پایین است. حتی در مواردی دختران ۹ تا ۱۰ ساله به خانه شوهر می‌روند. ازدواج آنها در غالب موارد در دفاتر اسناد رسمی ثبت

نمی‌شود. در مه‌آوردی نیز در ازدواج‌ها، حتی عاقد هم حضور ندارد. مقدار مهریه آنان بسیار ناچیز است و در بعضی موارد بدون مهریه ازدواج می‌کنند. اگر چه طلاق کمتر واقع می‌شود، لیکن در صورت طلاق بدون هیچگونه مانعی و بدون در نظر گرفتن شرایط زن، انجام می‌شود.

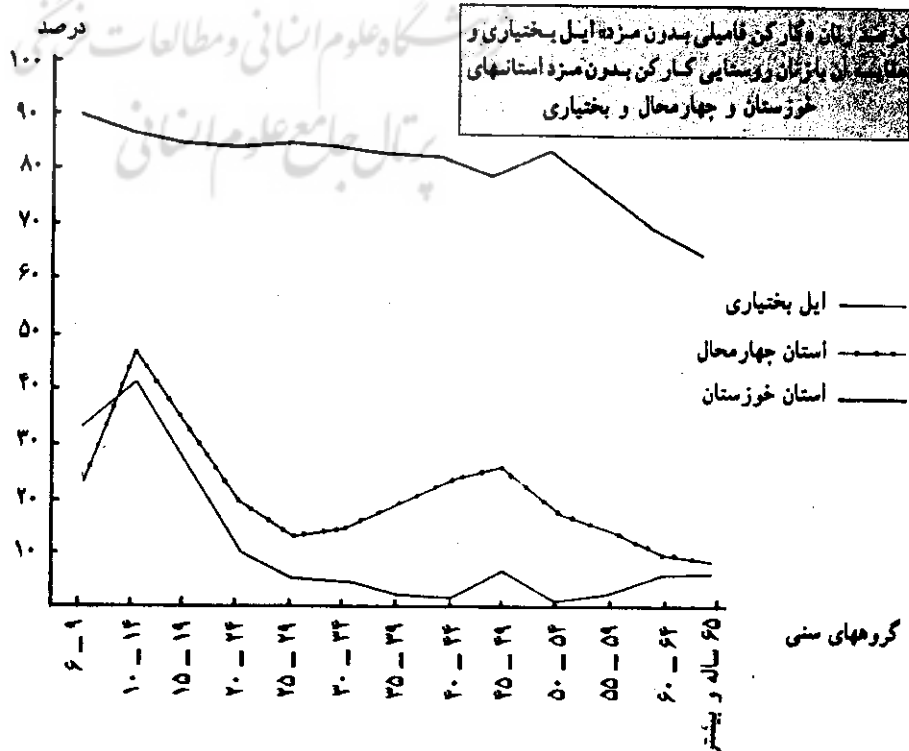
به علت ویژگی‌های جامعه ایلی، هنگام ازدواج پرداخت شیربها، از طرف خانواده داماد به خانواده عروس الزامی است. ارزش پولی شیربها که بیشتر به صورت جنسی پرداخت می‌شود، گاهی از توان خانواده داماد خارج است. به همین سبب جوانان خانواده‌های تهیدستی که قصد ازدواج دارند، ناگزیرند سالها کار کنند تا بتوانند به اندازه شیربهای درخواستی ثروت‌اندوزی کنند. این امر سبب افزایش سن جوانان برای ازدواج می‌شود. در بررسی طایفه دره کائندی^۳ موارد بسیاری از اختلاف سن بین مرد و زن حتی تا حدود ۳۰ سال مشاهده شد. یعنی اینکه مرد گاهی اوقات ۳۰ سال و یا بیشتر، از همسر خود مسن‌تر بود.

همچنین به سبب وجود آداب و رسوم مربوط به «ناف بران» در اغلب موارد دختر بدون داشتن رغبتی به ازدواج با پسری که قبلاً ناف وی را به نام او بریده‌اند، ناچار به ازدواج با او شده است.

در نتیجه مردان این جامعه در گزینش همسر از اختیارات بسیاری برخوردارند که شرایط اجتماعی کوچ‌نشینان در اختیار آنان قرار می‌دهد. در زیر به بررسی علل همسرگزینی مجدد در مردان ایل می‌پردازیم.

عوامل تعدد زوجات در میان مردان

بنا به ویژگی‌های جامعه عشایری، هنگامی که مرد بختیاری به داشتن زن دیگری احساس نیاز کند، می‌تواند بدون در نظر گرفتن میل همسر، زن دیگری اختیار کند. به طور کلی نیاز به همسرگزینی مجدد مردان بختیاری را



می‌توان به صورتهای زیر طبقه‌بندی کرد.

۱- عامل اقتصادی: می‌دانیم که دام یکی

از مهمترین عوامل کسب‌وکار نشینی است و دامداری فعالیت عمده اقتصادی خانوارهای کوچ‌نشین را تشکیل می‌دهد. درآمد عمده خانوارهای کوچ‌نشین نیز از طریق تولیدات دامی تأمین می‌شود. به طوری که بعداً خواهیم گفت زن بختیاری در این نوع از فعالیت تولیدی نقش بسیار بارزی را ایفا می‌کند. بنابراین تعداد دام خانوار باید به حدی باشد که اعضای خانوار بر اساس تقسیم کار جنسی و سنی بتوانند از عهده تولید برآیند.

بر اساس اطلاعات سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده، در تیرماه ۱۳۶۶ هر خانوار از ایل بختیاری به طور متوسط ۵۶ رأس دام کوچک (گوسفند و بزه و بزغاله) داشته است. این تعداد دام از نظر تولید و تقسیم کار در یک خانواده هسته‌ای، حد متوسطی است. اگر خانوار تعدادی فرزند بیش از ۶ سال داشته باشد، می‌تواند تا حدود ۱۰۰ رأس دام کوچک داشته و بدون نیاز به کار افراد غیر عضو خانوار به تولید خود ادامه دهد. از طرفی به علت بالا بودن بعد خانوار در ایل بختیاری (۶/۵ نفر در سال ۱۳۶۶) که بیشتر از بعد خانوار در خانوارهای روستایی است، نیروی کار خود را تا حدی تأمین می‌کند. لیکن توزیع تعداد دام در بین خانوارها یکسان نیست. به طوری که در سال ۱۳۶۶ حدود ۷۷/۰ درصد از خانوارها دارای کمتر از ۱۰۰ رأس دام کوچک بوده‌اند. بر اساس همین اطلاعات ۵/۰ درصد از خانوارها نیز فاقد دام کوچک بوده‌اند. بنابراین ۸۲/۰ درصد از خانوارها از نظر نیروی انسانی مسئله‌ای ندارند. لیکن ۱۸ درصد از خانوارها دارای بیش از ۱۰۰ رأس دام کوچک بوده‌اند. این تعداد از خانوارها نیاز به نیروی کار اضافی دارند.

تعدادی از این خانوارها با داشتن اعضای بیشتر، نیروی کار را از اعضای خانوار تأمین

می‌کنند. تعدادی نیز با همیاری دیگر خانوارهای عضو «مال» نیروی انسانی لازم را در بهره‌برداری دامی خود به دست می‌آورند. لیکن همیشه نمی‌توان از نیروی کار اعضای خانوارهای عضو مال بهره گرفت. وضع خانوارهایی که دام کوچک آنان زیاد بوده و تعداد دام متناسب با تعداد اعضای خانوار نبوده و نمی‌توانند از همیاری اعضای خانوارهای عضو مال استفاده کنند، کاملاً با وضعیت سایر خانوارها تفاوت دارد. در اینجا نیاز به وجود زن دیگری در خانواده احساس می‌شود. این زن می‌تواند عروس خانواده باشد. اما اگر پسر خانواده شرایط ازدواج را نداشته و یا در صورت ازدواج از خانواده جدا شود، دو راه در پیش رو قرار می‌گیرد.

نخست اینکه از نیروی کار مزدبگیری استفاده شود. اما از آنجایی که نیروی کار مورد نیاز در تولید دامی زن است و از طرفی ارائه نیروی کار مزد و حقوق بگیری زنان در مناسبات ایلی به ندرت دیده می‌شود (فقط ۰/۶ درصد از زنان شاغل ۶ ساله و بالاتر مزد و حقوق بگیر بوده‌اند). لذا نمی‌تواند جوابگوی نیاز نیروی انسانی باشد.

راه دوم که گریز ناپذیر بوده و حالت غالب را تشکیل می‌دهد، ازدواج مجدد مرد خانواده است. در این حالت مرد خانواده اقدام به ازدواج مجدد می‌کند. در اینگونه شرایط در غالب اوقات، همسر سرپرست خانواده، خود برای یافتن همسر دیگری برای شوهر خود اقدام می‌کند. زیرا از طرفی فشار کار تولید دامی چنان وی را ناتوان می‌سازد که می‌خواهد به هر ترتیبی باوری بخواهد بیابد. از طرفی حال که ناگزیر به پذیرفتن هوو است. بهتر است کسی را انتخاب کند که با وی سرسازش داشته و سبب از هم پاشیدگی خانواده نشود.

بنابراین ملاحظه می‌شود که اگر چه در خانواده‌های شهری و روستایی ازدواج مجدد در غالب اوقات منجر به از هم پاشیدگی امور خانواده می‌شود (در خانه‌ای که دو کدبانوست

خاک تا زانوست) لیکن در جامعه عشایری زن بختیاری با وجودی که قلباً راضی به داشتن هووی در کنار خود نیست، به سبب عامل مهم اقتصادی ناگزیر به پذیرش زن دیگری برای همسر خود می‌شود.

۲- عامل اجتماعی: این عامل در رابطه با

عامل اقتصادی نیز می‌تواند باشد. چرانیدن و نگهداری دامها به عهده مرد است. زیرا در تقسیم کار جنسی، این قسمت از کار به پسران و مردان واگذار می‌شود. حال اگر مرد بختیاری به علت کثرت دامها و یا به سبب ناتوانی‌های جسمانی (در اثر بیماری یا کهولت) نتواند از عهده چرانیدن دامها برآید، این وظیفه به عهده پسر یا پسران وی خواهد بود.

داشتن پسر پشتوانه‌ای در بقای خانواده عشایری است. زیرا دختر بعد از ازدواج به خانه شوهر رفته و در ترکیب خانواده شوهر قرار می‌گیرد. هر گاه مرد بختیاری فاقد فرزند پسر باشد و این نقص را در رابطه با همسر خود بداند که نتوانسته پسر برای وی دنیا بیاورد، سنتهای ایل مقرر می‌دارد که مرد بختیاری همسر دیگری اختیار کند.

بنابراین زنی که فرزند پسر نداشته باشد، ناگزیر به پذیرش هوو در کنار خود خواهد بود.

۳- عامل فرهنگی: هر گاه بین دو طایفه از

ایل بختیاری جنگ و جدلی در بگیرد که منجر به کشته شدن مردی بشود، یکی از عوامل آتش‌بس و آشتی بین دو طایفه، دادن یک دختر از طرف قاتل به طرف مقتول است. در این میان شرایط اجتماعی و فرهنگی ایل مقرر می‌دارد که چه دختری از چه خانواده‌ای، به چه کسی و به چه خانواده‌ای از طرف مقابل داده شود. امکان دارد که خانواده مقتول، پسر و واجد شرایط برای ازدواج و در نتیجه وصلت با دختر وجه‌المصالحه، نداشته باشد، دختر را به پدر پسر مقتول داده و اگر این فرد خود دارای همسر باشد، در نتیجه صاحب بیش از

یک زن خواهد شد. بنابراین عامل اخیر نیز در تعدد زوجات نقش دارد. در این میان زن نقشی در ازدواج نداشته و خواسته‌های وی در نظر گرفته نمی‌شود.

وظایف زن بختیاری در محل استقرار در بیلاق و قشلاق

نقش زن بختیاری در شیوه زندگی شبانی بسیار است. در صورت حذف این عنصر تولیدی، نظام تولید موازنه خود را از دست می‌دهد. در زیر وظایف زن بختیاری در رابطه با عوامل مختلف زندگی شبانی و مراحل تولید شرح داده می‌شود:

۱- تولیدات دامی: شیر دامها توسط

زنان دوشیده می‌شود. در صورت کمبود نیروی کار در خانواده، نقش نگهداری و هدایت گله به محل شیردوشی (دون - dūn) را مرد عهده‌دار می‌شود. زن در گلوگاه دون می‌نشیند و به محض رسیدن یک رأس دام شیرده، آن را گرفته و شیرش را می‌دوشد. در این مرحله وجود یک نفر کمکی حتمی است، این فرد حیوان شیرده را می‌گیرد و زن شیر دام را می‌دوشد. به علت سبکی کار، معمولاً از بین کودکان و نوجوانان پسر یا دختر عضو خانواده و یا افراد فامیل به عنوان فرد کمکی، استفاده می‌شود.

پس از دوشیدن شیر و خاتمه کار، شیر به ماست تبدیل می‌شود.^۷ پس از آماده شدن ماست، زدن مشک و تهیه کره آغاز می‌شود. مشک زنی و تهیه کره از کارهای توانفرسای زن خانواده بشمار می‌رود. برای این عمل مشک را از سه پایه چوبی (ملار - Malār) آویزان می‌کنند و آنرا با حرکت تند به جلو و کشیدن به عقب انجام می‌دهند. عمل مشک زدن حدود نیم ساعت طول می‌کشد و در این مدت، مشک بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ بار زده می‌شود.^۸ البته طول مدت مشک‌زنی، بستگی به سردی و گرمی هوا دارد. هر چه هوا سردتر

باشد، مرحله تشکیل کره بیشتر طول می‌کشد. پس از زده شدن مشک، کره حاصل جمع‌آوری می‌شود.

دوغ حاصل از مشک‌زنی به مصرف اعضای خانواده می‌رسد. در صورت وجود دوغ بیش از مصرف، مازاد آن درون دیگی جوشانده و به کشک و قره‌قورت (قارآ - Qārā) تبدیل می‌شود. چنانچه کره تهیه شده اضافه بر مصرف روزانه اعضای خانواده باشد، به روغن تبدیل می‌شود.

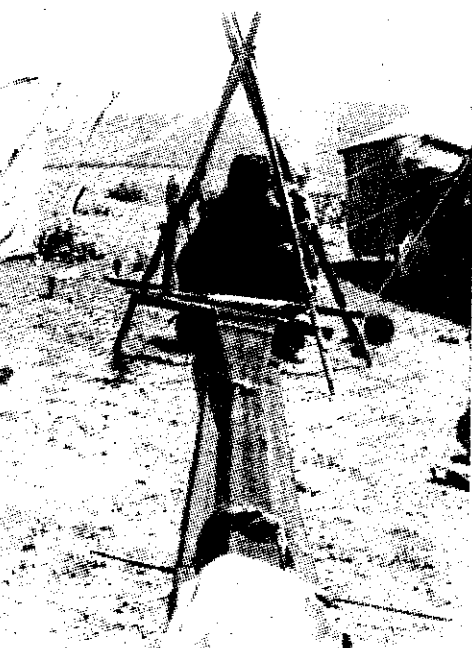
تهیه پنیر^۹ نیز به عهده زنان است. پنیر در عشایر بختیاری طوری تهیه می‌شود که قابل ذخیره کردن و حمل و نقل باشد. بنابراین نوعی از پنیر خشک و بدون آب (پنیر خیکی) تهیه می‌شود.

۲- تهیه لوازم زندگی: زن بختیاری از هنگام نوجوانی بافندگی را در خانواده پدری می‌آموزد. رشتن نخ که اولین مرحله بافندگی است، از هنر زنان ایل است. رشتن نخ‌های پشمی و مویی، بافتن قالی و قالیچه، خورجین، پوشش چادر (لت بوهون)، تسمه‌های پشمی نقش‌دار و رنگارنگ (وریس)، جاجیم، گلیم (لی) و چوقا (بالاپوش مردان) همه به عهده زنان است.

۳- تامین آب مصرفی: در ایل رسم بر این است که آب مصرفی خانواده توسط زنان و دختران تهیه شود. حتی اگر منبع تامین آب در فاصله دوری از محل استقرار چادر قرار داشته باشد، حمل آن با مشک به وسیله انسان یا با استفاده از چارپایان، مطلقاً توسط زنان انجام می‌گیرد. هیچگاه مرد بختیاری برای مصرف خانوار، اقدام به حمل آب نمی‌کند. حمل آب توسط مردان عیب بزرگی به شمار می‌رود. در مواردی که مردی زن خود را از دست داده باشد و در چادر وی زنی برای تهیه آب وجود نداشته باشد، آب مصرفی اینگونه خانوارها توسط زنان فامیل تامین می‌شود.

۴- حمل مواد سوختی: سوخت مصرفی خانوار توسط مردان و در محل تهیه آماده می‌شود. حمل آن از محل تامین تا محل مصرف، به عهده زنان است. گون، هیزم و یا سرگین خشک شده چهارپایان بوسیله زنان به چادر حمل می‌شود. معمولاً مردان در حمل هیزم به طرف چادر شرکت نمی‌کنند.

۵- کارهای روزانه زندگی: این اعمال یک سلسله کارهایی را شامل می‌شود که در زندگی عشایر به طور متداول جریان دارد. این کارها عمدتاً شامل رفت و روب، شستشو، پهن



کردن و جمع کردن رختخوابها، تهیه غذا و چای، نگهداری از فرزندان، دوخت و دوز و غیره می‌باشد.

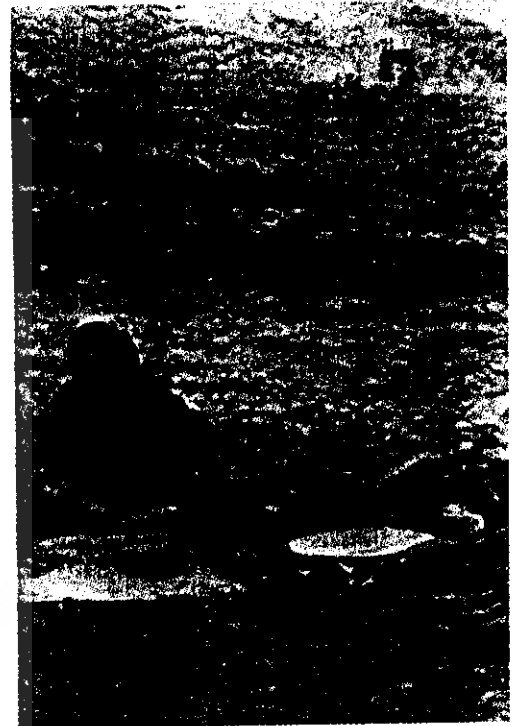
وظایف زن بختیاری در هنگام استقرار خانواده در بیلاق و قشلاق

برای شرح کارهای روزانه، شرایطی در نظر گرفته می‌شود که شامل فعالیت‌های روزانه یک زن خانواده در محل استقرار چادر در قشلاق یا بیلاق است. امکان دارد این اعمال تماماً در یک روز انجام نشود یا اینکه بسته به

شرایط زیست و محیط طبیعی و زمان، بعضی از آن اعمال چند روز یکبار انجام شود. مادر اینجا فعالیت یک زن بختیاری را به طور کلی بیان می‌کنیم.

با دمیدن سپیده، اولین فردی که از خانواده بیدار می‌شود، زن خانواده است. او پس از بیدار شدن ابتدا اجاق را روشن می‌کند. کتری را آب کرده و بر روی اجاق می‌گذارد. سپس سایر اعضای خانوار، بنا به وظایفی که دارند از خواب بیدار می‌شوند.

پس از برخاستن اعضای خانواده از خواب، رختخوابها توسط زن جمع‌آوری



می‌شود. صبحانه اعضای خانواده همراه چای آماده می‌شود. هریک از اعضا پس از صرف صبحانه به دنبال وظایفی که به عهده دارند، رهسپار می‌شوند. کسودکانی که عهده‌دار وظایفی نیستند، در چادر و اطراف آن باقی مانده و به بازی مشغول می‌شوند. پس از صرف صبحانه، زن خانواده ظروف را می‌شوید.

در طی روز تا هنگام ظهر، معمولاً چند بار چای تهیه می‌شود. در فاصله زمانی بین تهیه وعده‌های چای، برای حمل آب مصرفی، رفت و روب، شستشو، نگهداری کودکان، رشتن نخ،

بافندگی و غیره استفاده می‌شود.

در صورتی که خانوار کودک شیرخوار داشته باشد، مادر از کودک مراقبت می‌کند. در ایل بختیاری کودک شیرخوار در گهواره (تده - Tadeh) نگهداری می‌شود. کودک شیرخوار را به گهواره می‌بندند تا هنگام تکان خوردن، از گهواره نیفتد. هرگاه کودک بیقراری کند، با تکان دادن گهواره با بندی که به آن بسته شده، او را آرام می‌کنند. زن خانواده هنگام کار، این بند را به دست گرفته و همزمان با سایر فعالیتها، گهواره را تکان می‌دهد.

در صورت نیاز، زن یا دختر خانواده سوخت تهیه می‌کنند. در صورتی که خانواده برای مصرف خود نان نداشته باشد، زن خانواده نان تهیه می‌کند. هنگامی که فراغتی پیش آید، زن به رشتن نخ می‌پردازد. زن بختیاری هیچگاه بیکار نمی‌نشیند، حتی هنگام راه رفتن نیز نخ می‌ریسد.

هنگام فرارسیدن ناهار، افراد خانواده دور سفره جمع شده و ناهار می‌خورند. پس از خوردن ناهار، ظروف شسته می‌شود.

دامهای شیرده گاهی قبل و گاهی پس از ناهار، دوشیده می‌شوند. شیر حاصل به ماست تبدیل می‌شود.

در صورتی که خانوار کار بافندگی داشته باشد، زن بختیاری کنار دستگاه به بافندگی می‌پردازد. هنگام غروب، ضمن طبخ نان، شام نیز بر روی اجاق آماده می‌شود. طی این مدت نیز، چند بار چای تهیه می‌شود. پس از صرف چای، شستشوی وسایل چایخوری انجام می‌شود. شستشوی وسایل چایخوری در چادر و با استفاده از اندکی آب انجام می‌شود. گاهی مرد خانواده در شستشوی ظروف چایخوری به زن کمک می‌کند. از آنجایی که مردان بختیاری به نوشیدن چای بسیار علاقه دارند و از طرفی شستشوی ظروف چایخوری برای آنان از نظر سنتهای ایل اشکال ندارد، این کار را بدون اکراه انجام می‌دهند.

هنگام غروب، گله دوشیده می‌شود. ماست

تهیه شده از شیر ظهر، همچنین ماست تهیه شده از شیردوشی غروب، برای مشک‌زنی، در صبح روز بعد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پس از گرد آمدن اعضای خانواده، شام صرف می‌شود. ظروف غذاخوری در همان شب یا صبح روز بعد شسته می‌شود. پس از جمع‌آوری سفره، درباره مسایل گوناگون گفتگو می‌شود. سپس اعضای خانواده به بستر رفته می‌خوابند. آخرین عضوی از خانواده که به بستر می‌رود، زن خانواده است و فردا روز از نو روزی از نو.

وظایف زن هنگام کوچ

هنگام کوچ، زن عضوی از خانواده است، که پیش از دمیدن سپیده از خواب بیدار می‌شود. کتری را بر روی اجاق می‌گذارد و مشک می‌زند. چای را آماده و اعضای خانواده را از خواب بیدار می‌کند. با بیدار شدن اعضای خانواده، جمع‌آوری و باربندی وسایل و لوازم انجام می‌شود. پس از به دست آمدن کره، در صورت نبودن امکان حمل و نقل، دوغ مازاد حاصل از کار، بیرون ریخته می‌شود.

پس از صرف صبحانه، خانواده همراه با سایر خانواده‌های عضو مال به کوچ ادامه می‌دهد. کوچ تا ظهر ادامه می‌یابد. هنگام ظهر، خانواده در «بارانداز» توقف و بارها را از چارپایان به زیر می‌آورند. زن خانواده به سرعت ناهار مختصری تهیه می‌کند. پس از خوردن ناهار و اندکی استراحت، مجدداً بارها را باربندی و کوچ را تا غروب ادامه می‌دهند.

در صورتی که زن خانواده کودک شیرخوار داشته باشد، او را در گهواره قرار داده و بر پشت خود می‌بندد. اگر چارپایی برای سواری وجود نداشته باشد، مادر همراه کودک پیاده راه می‌روند. هرگاه چارپایی برای سواری باشد، زن در حالی که کودک را بر پشت دارد، بر چارپا سوار شده و طی طریق می‌کند. اساساً در صورتی که چارپایی اضافی برای سواری وجود داشته باشد، زنان سواره و

مردان پیاده راه می سپارند. در هنگام کوچ اولویت سواری با زنان و بیماران است. حتی زنان حامله و پابماه در هنگام کوچ ناچار به ادامه کوچ هستند. زیرا در زندگی کوچ نشینی عوامل اندکی هستند که کوچ را به تأخیر می اندازند.^{۱۱} گاهی دیده شده که زن باردار، در هنگام کوچ دچار درد زایمان می شود. در این حال زن از مال جدا شده و به تنهایی با کمک زنان دیگر، در گوشه ای از راه، کودک خود را به دنیا می آورد. پس از به دنیا آمدن نوزاد، او را پوشانده و مادر همراه نوزاد به دنبال «مال»^{۱۲} رهسپار می شود. این عمل سبب از بین رفتن بینه زن می شود. یکی از علل مهم کوتاهی عمر زنان ایل را می توان در این عامل جستجو کرد. زیرا پس از زایمان، زن نیاز شدیدی به چند روز استراحت دارد. کوچ تا یک ساعت به غروب مانده ادامه می یابد. سپس در محلی که خانوار از قبل آنرا می شناسد، بار می اندازد. بارها توسط مردان و به کمک سایر اعضای خانواده به زیر آورده می شود.

زن خانواده شیر دامها را می دوشد. جای آماده و قبل از شام نوشیده می شود. سپس شام مختصری آماده و به مصرف می رسد. ظروف توسط زن خانواده شسته می شود، زیرا صبح روز بعد، کوچ آغاز و فرصتی برای شستشو وجود نخواهد داشت.

با فرا رسیدن شب، اعضای خانواده به علت شرکت در کوچ و فعالیت سخت روزانه، به زودی به خواب می روند.

یادآوری می شود که هنگام کوچ بهاره و پائیزه، نحوه باراندازی با یکدیگر متفاوت است. در کوچ بهاره به سبب امکان بارش برف و باران، شب هنگام اعضای خانواده ناچارند در زیر چادر بخوابند بنابراین در این کوچ در هر بارانداز چادری برپا می کنند و صبح روز بعد آنرا جمع می کنند. در حالی که در کوچ پائیزه که در اواخر تابستان انجام می شود، احتمال بارندگی کمتر وجود دارد. بنابراین

چادر افراشته نمی شود. در افراشتن چادر، زن نیز با مسرد همکاری می کند. همچنین از تفاوت های دیگر کوچ بهاره و پائیزه در شیردوشی دامها و تولید فرآورده های شیری است. در کوچ بهاره چون دامها در زمستان زاد و ولد انجام داده اند، فصل شیردوشی دامهاست. در کوچ پائیزه به علت عدم زاد و ولد دام، فصل شیردهی دام نیست. بنابراین زن خانوار در این کوچ کار شیردوشی دام ندارد. پس از پایان کوچ که زمان آن در بین طایفه های مختلف ایل متفاوت است، خانواده در محل استقرار بیلاتی یا قشلاقی مستقر می شود.

توضیحات:

- ۱ - در ایل بختیاری کوچکترین رده کوچنده ایلی را که از ترکیب چند خانوار به وجود می آید «مال - Mal» می نامند. مال نوعی تعاونی تولیدی ایلی است که خانوارهای عضو در چرانیدن دام، محافظت از گله و مراقبت از زندگی یکدیگر، دوشیدن دامها، پشم چینی، عزاداری، جشن عروسی و غیره با یکدیگر همیاری دارند.
- ۲ - نگارنده مدتی در میان خانوارهای کوچنده، عشایر عرب خوزستان گذرانده است. علاوه بر کارهای روزانه ای که زن عشایر عرب بر اساس تقسیم کار جنسی انجام می دهد، در بیشتر موارد چرانیدن گله را نیز عهده دار می شود. این در حالی است که در بختیاریها، زنان کمتر به این کار می پردازند و چرای دام اغلب به عهده پسران و مردان ایل است.
- ۳ - کوچ نشینان میانکوه دزفول - بهرام امیر احمدی - انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان خوزستان سال ۱۳۶۷.
- ۴ - ناف بران: در ایل بختیاری، هنگامی که دختری به دنیا می آید، موقع بریدن ناف، ناف وی را به نام پسری از نزدیکان و اقوام دختر می برند. دختر پس از بزرگ شدن و رسیدن به

سن بلوغ، ناگزیر ازدواج با همان پسر است و خانواده دختر حق ندارند دختر خود را به عقد پسر دیگری در آورند، مگر اینکه رضایت پسر و خانواده او را جلب کنند. در صورتی که پسر رغبتی به ازدواج با دختر ناف بریده نداشته باشد، به راحتی می تواند دختر دیگری را به همسری برگزیند.

۵ - دون: محل دوشیدن شیر در اطراف چادر است که با چیدن سنگ ایجاد می شود. دیواره سنگی را طوری درست می کنند که یک طرف آن گشاد است و گنجایش گله را دارد. طرف دیگر دروازه ای تنگ به پهنای عبور یک رأس دام است. دامها از طرف گشاد وارد و یک یک از دروازه تنگ عبور می کنند.

۶ - در فصل شیردهی، معمولاً شیر دامهای شیرده روزانه دوبار دوشیده می شود.

۷ - در ایل بختیاری شیرواره (که به آن شیرنگار می گویند) در حال حاضر کمتر به چشم می خورد، در گذشته این نوع تعاونی سنتی در میان کوچ نشینان و ده نشینان دامدار بسیار متداول بوده است. بنابراین خانوار به تنهایی اقدام به تولید فرآورده های شیری می کند.

۸ - زمان و تعداد دفعات مشک زنی در موارد مختلف توسط نگارنده محاسبه شده است.

۹ - بین طایفه های ایل بختیاری به ندرت پنیر تهیه می شود. نگارنده تهیه پنیر را فقط در بین خانوارهای طایفه بهداروند مشاهده کرده است.

۱۰ - محلی را که خانوارهای کوچنده هنگام کوچ بین بیلاق یا قشلاق در آن اطراق می کند، بارانداز می گویند. مدت توقف در بارانداز بنا به نوع کوچ (بهاره یا پائیزه) و بسته به شرایط اقلیمی و پوشش گیاهی مراتع، متفاوت است. در باراندازهایی که در محدوده اراضی کشاورزی آبادیها قرار دارند، مدت توقف بین ۲۴ تا ۴۸ ساعت است.

۱۱ - این عوامل عبارتند از بیماریهای



راستی پسند د

در راستای آشنایی با مسائل جمعیتی جهان، در این شماره نگاهی داریم به شاخص‌های مهم جمعیتی در کشورهای قاره آفریقا. قبل از ملاحظه جمعیت کشورهای آفریقایی، بهتر است شناختی از هریک از شاخص‌های مذکور در واژگان سالنامه جمعیتی سازمان ملل پیدا کنیم:

نرخ افزایش سالانه جمعیت: عبارت است از تعداد افزایش جمعیت نسبت به صد نفر جمعیت متوسط سال

تراکم جمعیت: عبارت است از تعداد جمعیت متوسط سال نسبت به کل مساحت کشور بر حسب کیلومتر

نرخ ازدواج: عبارت است از تعداد ازدواج نسبت به هزار نفر جمعیت متوسط سال.

نرخ طلاق: عبارت است از تعداد طلاق نسبت به هزار نفر جمعیت متوسط سال.

نرخ خام ولادت: عبارت است از تعداد ولادت نسبت به هزار نفر جمعیت متوسط سال.

نرخ عمومی باروری: عبارت است از تعداد ولادت نسبت به هزار نفر جمعیت زنان در سن باروری (۱۵ تا ۴۹ سال).

نرخ خام مرگ و میر: عبارت است از تعداد مرگ و میر نسبت به هزار نفر جمعیت متوسط سال.

نرخ مرگ و میر اطفال: عبارت است از تعداد مرگ و میر اطفال زیر یک سال نسبت به هزار نفر بچه زنده بدنیا آمده.

نرخ افزایش طبیعی جمعیت: عبارت است از تفاضل نرخ خام ولادت و نرخ خام مرگ و میر. توضیح اینکه تفاوت بین این نرخ با نرخ افزایش سالانه جمعیت در ارتباط با محاسبه مهاجرت در نرخ افزایش سالانه جمعیت است. امید زندگی در بدو تولد: عمر متوسط جمعیت است.

سعید سبزیان

سخت اعضای خانواده، مرگ و میر حوادث طبیعی از جمله بارندگی شدید، طغیان رودخانه‌های مسیر کوچ، سیل، بادهای شدید و غیره...

۱۲ - اگر کودکی که در هنگام کوچ به دنیا آمده، پسر باشد، او را «دیندامل» می‌نامند که به معنی «دنبال‌مال» است. در بختیارها علاوه بر این نوزاد پسر را به نام محلی که در آنجا به دنیا آمده است نیز می‌نامند. مانند «بلوطی»، «بردی»، «بازفتی» و غیره.

منابع مورد استفاده

- ۱ - نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده کشور، تیرماه ۱۳۶۶ - مرکز آمار ایران.
- ۲ - نتایج تفصیلی سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده ایلی بختیاری، تیرماه ۱۳۶۶ - مرکز آمار ایران.
- ۳ - نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ - کل کشور - مرکز آمار ایران.
- ۴ - نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ - استان خوزستان - مرکز آمار ایران.
- ۵ - نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ - استان چهارمحال و بختیاری - مرکز آمار ایران.